



«فاطمیه» تنها عزاداری نیست؛ مکتب ماست

آیت‌الله جوادی آملی
فیلسوف و مفسر قرآن

«فاطمیه» تنها عزاداری نیست، بلکه برای ما مکتب است؛ چرا که اهل بیت عصمت و طهارت، قرآن ناطقند؛ «فاطمیه» امامت‌شناسی، ولایت‌شناسی، نبوت‌شناسی، وحی‌شناسی و فرصتی برای بیان کلمات این بزرگواران است و قرآن کریم، کتاب صامت است و ما اهل بیت، کتاب الله ناطق هستیم.

ما امام می‌خواهیم ولی «علم» قدرت ندارد که امامت ما را بر عهده بگیرد. از علم کار ساخته نیست؛ علم فقط

چراغ است نه صراط. اگر می‌خواهیم آدم شویم با علم نمی‌شود. تمام توطئه‌ها و حرف‌ها در برابر انبیا و تمام اغواگری‌ها و بازی‌های سیاسی برای علم است، باید دست و پای علم را عقال کرد «و بالعقل یعقل»؛ این «عقل» است که می‌تواند امام جامعه باشد و لذا مرحوم کلینی نیز در آخر مقدمه خود بر کتاب کافی می‌گوید: «قطب فرهنگی یک ملت، عقل آن ملت است.»

اصرار ائمه که عقل محض هستند، این است که اولین چیزی که خداوند خلق کرده، عقل است و آن وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) است، امام علی (ع) که مرتب می‌فرمود «سلوونی قبل ان تنفقدونی» از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا از دست دهید؛ زیرا من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناتر!

این بزرگواران فرموده‌اند که بدون امام نمی‌شود زندگی کرد و امام شما علم توطئه‌ها و حرف‌ها در برابر انبیا و تمام اغواگری‌ها و بازی‌های سیاسی برای علم است، باید دست و پای علم را عقال کرد «و بالعقل یعقل»؛ این «عقل» است که می‌تواند امام جامعه باشد و لذا مرحوم کلینی نیز در آخر مقدمه خود بر کتاب کافی می‌گوید: «قطب فرهنگی یک ملت، عقل آن ملت است.»

اصرار ائمه که عقل محض هستند، این است که اولین چیزی که خداوند خلق کرده، عقل است و آن وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) است، امام علی (ع) که مرتب می‌فرمود «سلوونی قبل ان تنفقدونی» از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا از دست دهید؛ زیرا من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناتر!



آیت‌الله جوادی آملی

خبر از حوادث آینده می‌داد، البته ما یک نبیا دارد، ولی نبی نیست، چون گاهی شریعت می‌آورد و گاهی طریقت می‌آورد. ولی مگر برای هر پیغمبری، جبرئیل می‌آید؟! این می‌شود فاطمه سلام الله علیها!



ما امام می‌خواهیم ولی «علم» قدرت ندارد که امامت ما را بر عهده بگیرد. علم فقط چراغ است نه صراط. این «عقل» است که می‌تواند امام جامعه باشد و لذا مرحوم کلینی می‌گوید: «قطب فرهنگی یک ملت، عقل آن ملت است»

وجود مبارک فاطمه (س) آنچه را که از جبرئیل شنیده بود، می‌فرمود و اصلاً می‌کرد «و کان علی یکتب ذلک»؛ آن وقت املا می‌کرد و امیرالمؤمنین می‌نوشت! این برای کدام مقام است؟ وحی را فاطمه دریافت کند به علی (ع) بگوید و علی بنویسد کاتب وحی فاطمه! لذا اگر می‌بینید این همه جلال و شکوه علما و فقهای بزرگ این بانو در ایام فاطمیه هست، به این علت است.

در حدیثی دیگر هست که یونس ابن عبد الرحمن می‌گوید که امام صادق (ع) فرمود که «لولا ان الله خلق امیر المؤمنین لفاطمه ما کان لها کفو علی ظهر الارض» اگر علی نبود، هیچ کفوی روی زمین برای حضرت زهرا (س) وجود

نداشت، «من آدم و من ذوته». لذا وظیفه ما تنها عزاداری نیست، فاطمیه برای ما مکتب است! فاطمیه اول، فاطمیه دوم، کریمه، اربعین، ۲۸ صفر؛ اینها برای ما مکتب است! اینها قرآن ناطق هستند! اصل اینها امامت‌شناسی است! ولایت‌شناسی است، نبوت‌شناسی است، وحی‌شناسی است و آخرش هم چند قطره اشک است. امیدواریم همه ما حرمت و جلال و شکوه فاطمیه را داشته باشیم و به برکت فاطمیه نظام ما سالم بماند.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» است از جلسه درس آیت‌الله جوادی آملی که همزمان با ایام فاطمیه برگزار شد.



ائتلاف دانش و قدرت

عقب کشیدن نخبگان از میدان سیاست‌گذاری چه عواقبی برای جامعه دارد؟

که عقلانیت حکمرانی از جنس «ارتباطی» و مزیت آن نرم‌افزاری و اتفاقی است. بنابراین حکمرانی به این معنی است که باید با بسیج ظرفیت‌های مردمی و مردمی‌سازی فعالیت‌ها، مسیر تحول را هموار کرد. در این گفتار، دلایل «ضرورت ورود نخبگان راهبردی به عرصه سیاست‌گذاری» را تبیین خواهیم کرد.

حکمرانی دانش‌بنیان

امروزه حکمرانی و سیاست‌گذاری تبدیل به امری دانش‌بنیان شده است در حالی که در گذشته، سیاست‌گذاری دانش‌بنیان، یک انتخاب بود. با توجه به اینکه آینده جهان در دست فناوری‌ها و پیشرفت‌های علمی است، حضور نخبگان در عرصه‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری، دیگر انتخاب نیست، بلکه الزام است.

در امر سیاست‌گذاری، اهمیت «بینش» کمتر از «دانش» نیست. حکمرانی در دنیای امروز، بسیار پیچیده شده و دیگر دوره سیاست‌گذاری‌های ساده تمام شده

و نیاز است که ملاحظات مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و... در کنار هم دیده شود تا تأثیر و تأثر آنها در یکدیگر سنجیده شود، تا در نهایت به یک سیاست مطلوب برسیم. بنابراین لازم است که نخبگان رشته‌های مختلف فنی، پزشکی، علوم انسانی و... در عرصه‌های سیاست‌گذاری ورود کنند.

به لحاظ تاریخی و فرهنگی در کشور ما، نخبگان اغلب از ورود به عرصه‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری پرهیز کرده‌اند. اکنون هم ادامه این فرهنگ را در جامعه شاهد هستیم چنانکه حتی اغلب صاحب‌نظران در جایگاه «منتقد» می‌ایستند و اگر در قامت مدافع سیاست‌گذاری‌ها ظاهر شوند گاه مورد توجه افکار عمومی قرار نمی‌گیرد. این زمینه فکری باید در جامعه ما اصلاح شود تا ورود نخبگان به عرصه حکمرانی در افکار عمومی منفی جلوه نکند.

نه تقلید؛ نه تعقیب

ما چند الگو در عرصه سیاست‌گذاری

ما، نفی مطلق سیاست‌گذاری‌های جدید است. این گروه حتی استفاده از نکات مثبت تجربه غربی‌ها را هم صحیح نمی‌دانند و قائل به این هستند که تجربه زیسته بشری را باید به طور کلی کنار گذاشت و بنیاد دیگری را از نو طراحی کرد.

این در حالی است که این دو رویکرد، یعنی نه تقلید کورکورانه و نه نفی مطلق تجربه‌های بشری، هیچ‌کدام این توانایی را ندارند که ما را به سرمنزل مقصود برسانند. بنابراین باید رویکرد سومی را برای حل مسائل کشور در پیش بگیریم؛ یعنی مسائل را با نگاه نوآورانه و خلاقانه با کمک نخبگان کشور حل کنیم و در یافتن این نوع راه‌حل‌ها، شرایط اجرایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور را نیز لحاظ کنیم. اکنون این رویکرد در بسیاری از بخش‌های کشور وجود ندارد و تلاش نخبگان ما باید این باشد که این رویکرد را در کشور و نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری‌ها تسری دهند.

عواقب عقب کشیدن نخبگان از میدان سیاست‌گذاری

اگر نخبگان از ورود به عرصه سیاست‌گذاری پرهیز کنند نظام حکمرانی به تدریج از شایسته‌سالاری و مدیریت حرفه‌ای دور خواهد شد و به ناچار افرادی عرصه مدیریت کشور را به دست خواهند گرفت که با دغدغه حل مسأله یا توان حل کردن مسائل را ندارند. اگر نخبگان از ورود به عرصه‌های سیاست‌گذاری امتناع کنند افراد بی‌تخصص در جایگاه‌های کلیدی نشینند و برای ما و سرنوشت کشور تصمیم می‌گیرند. از این روست که ورود نخبگان به عرصه حکمرانی دیگر انتخاب نیست، بلکه الزام است.

تکلیف نخبگانی

نخبگان باید حل نواورانه مسائل کشور را دغدغه خود قرار دهند. مشارکت نخبگان در مسیر سیاست‌گذاری قطعاً درآمدزایی بالایی برای آنان ندارد اما سرمایه اجتماعی و فرهنگی زیادی را در اختیار آنان قرار می‌دهد که در مقام مقایسه می‌بینیم آورده بیشتری را برای نخبگان خواهد آورد. با این حال اگر نخبگان با نیات و اغراض دیگری به عرصه سیاست‌گذاری ورود کنند، اخلاص و روحیه جهادی را در خدمت‌رسانی از دست می‌دهند و به این سرمایه اجتماعی هم که نقطه قوت آنان است، دست نمی‌یابند.

صبر راهبردی

نخبگان برای ورود به عرصه سیاست‌گذاری باید «صبر راهبردی» داشته باشند و آنان که به این ویژگی متصف می‌شوند را می‌توان «نخبگان راهبردی» نامید. با توجه به اینکه عرصه سیاست‌گذاری، زودبازده نیست و ممکن است که نخبگان بازخورد کارشان را سال‌ها بعد ببینند یا اصلاً نبینند؛ بنابراین باید یک «صبر راهبردی» طولانی مدت داشته باشند و زود خسته نشوند. با این حال، اگر کار را با نیت خالص و برای خدمت به خلق و حل مسائل مردم و جامعه انجام دهند در بلندمدت نتیجه آن را خواهند دید.



سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری در دوره‌های گروهی در سیاست‌گذاری‌ها آرمان‌گرا رفتار می‌کنند و گروه دیگر واقع‌گرا. در حالی که رهبر معظم انقلاب، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» دعوت کرده‌اند و این رویکرد را برای رسیدن به تحول لازم دانسته‌اند. به همین دلیل هم افراد تحول‌آفرین، اغلب آرمان‌گرایان واقع‌بین هستند.

نمی‌گیرد و باعث رشد و تعالی فرد هم نمی‌شود. در نگاه اسلام، حتی از مسیر تجارت هم باید رشد و تعالی انسان فراهم شود.

تصمیم‌گیری در دوره‌های

سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری در دوره‌های هاست. گروهی در سیاست‌گذاری‌ها آرمان‌گرا رفتار می‌کنند و گروه دیگر واقع‌گرا. عده‌ای هم آرمان‌بین واقع‌گرا هستند؛ به این معنی که به آرمان‌ها نظر دارند، اما به دنبال واقعیت‌ها می‌روند. هر مجموعه‌ای اعم از جامعه و انسان و... نیاز به دو امر مهم «بقا» و «کمال» دارد. آرمان‌گرایی برای رساندن انسان به کمال و واقع‌بینی برای بقا اهمیت دارد. بنابراین آرمان‌گرایی افراطی باعث می‌شود جامعه نتواند بقا داشته باشد و شکست جامعه در تحقق اهداف را به دنبال دارد. واقع‌بینی افراطی هم جامعه را تبدیل به یک اجتماع بی‌هدف می‌کند که صرفاً برای حفظ وضع موجود تلاش کند. هر دو این رویکردها می‌تواند مردم را خسته کند یا زوال و بی‌تحریکی جامعه را به دنبال داشته باشد. در حالی که رهبر معظم انقلاب، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» دعوت کرده‌اند و این رویکرد را برای رسیدن به تحول لازم دانسته‌اند. به همین دلیل هم افراد تحول‌آفرین، اغلب آرمان‌گرایان واقع‌بین هستند.



ورود نخبگان به عرصه حکمرانی دیگر انتخاب نیست؛ بلکه الزام است!

اگر نخبگان از ورود به عرصه سیاست‌گذاری پرهیز کنند نظام حکمرانی به تدریج از شایسته‌سالاری و مدیریت حرفه‌ای دور خواهد شد و به ناچار افرادی عرصه مدیریت کشور را به دست خواهند گرفت که با دغدغه حل مسأله ندارند یا توان حل کردن مسائل را ندارند. اگر نخبگان از ورود به عرصه‌های سیاست‌گذاری امتناع کنند افراد بی‌تخصص در جایگاه‌های کلیدی نشینند و برای ما و سرنوشت کشور تصمیم می‌گیرند. از این روست که ورود نخبگان به عرصه حکمرانی دیگر انتخاب نیست، بلکه الزام است.